

باید علیه کشتار مردم فلسطین بسیج شویم

گفتگوی دنیل فین و بشیر ابومنه

مترجم: طه رادمنش

جنگ اسرائیل در غزه تلفات وحشتناکی به بار آورده، با این وجود، سیاستمداران غربی هنوز از درخواست آتش بس خودداری می‌کنند. ما نیازمند فشار مردمی و توده‌ای علیه کشتار و تهدید انتقال اجباری جمعیت از غزه هستیم.

جنگ اسرائیل و غزه وارد دومین هفته خود شده است، و به گفته وزارت بهداشت غزه، تعداد کشته‌شدگان فلسطینی اکنون به بیش از سه هزار نفر رسیده است. علیرغم جنایت و خونریزی وحشتناک در بیمارستان الاهلی، ایالات متحده و کشورهای پیشروی اروپایی حامی اسرائیل، همچنان از درخواست آتش بس اجتناب می‌کنند.

با بشیر ابومنه، پژوهشگر فلسطینی، در مورد زمینه سیاسی سرزمین‌های اشغالی، خطر نکبت دوم^۱ و راهبردهایی که ممکن است آزادی مردم فلسطین را ارمغان آورد، صحبت کردیم.

دنیل فین: برای شروع و آشنایی بیشتر با پیشینه سیاسی، گسترده‌تر از آنچه در هیجده ماه گذشته رخ داده، توضیح دهید در سرزمین‌های اشغالی فلسطین چه می‌گذرد؟ ترکیب سیاسی نیروها و نیات دولت بنیامین نتانیا هو، و آنچه در جبهه منطقه‌ای و دیپلماتیک اتفاق افتاده، و در آن از عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و کشورهایمانند عربستان صحبت می‌شود، چیست؟

بشیر ابومنه: برای شروع صحبت در مورد آنچه در هفته گذشته رخ داده، مهم است که به ترکیب دولت اسرائیل نگاهی بیندازیم. دولت نتانیا هو راست‌گراترین دولت تاریخ اسرائیل است. دولت او در اصل یک «دولت مستعمره‌نشین» است، و عمدتاً از وزرایی تشکیل شده که قبلاً یا به خشونت دامن می‌زدند، یا خود فعالانه و مستقیم از تروریسم حمایت می‌کردند. استقرار آن دولت تروریسم شهرک‌نشینان را در کرانه باختری تسهیل و تشویق کرده، و از طریق محاصره، فشارهای مستمر زیادی بر غزه روا داشته. مضاف بر این، خشونت‌های تحت حمایت دولت، با قتل‌عام علیه فلسطینی‌ها تشدید یافته.

فلسطینی‌ها در دوره اخیر، تحت فشارهای شدید زیادی از سوی این دولت قرار گرفته‌اند و، اتفاقات بسیار مشخصی که در هفته گذشته رخ داد، خود هویدای این موضوع است. صحبت‌های نسبتاً زیادی در اسرائیل در مورد تلاش برای ایجاد شرایط به منظور اخراج دسته‌جمعی در آینده – یک نکیه جدید – وجود دارد. بزلال اسموتریچ، وزیر دارایی اسرائیل، که

^۱ - یا یوم‌النکیه. نامی است که فلسطینیان برای اشاره به سالگرد بیرون‌راندن صدها هزار فلسطینی از سرزمین خود، در ۱۴ مه ۱۹۴۸ م. استفاده می‌کنند و این روز را عزا می‌گیرند. م

مسئولیت کرانه باختری را نیز به عهده دارد، در مصاحبه‌ای معروف در سال ۲۰۱۶ م. گفت که: فلسطینی‌ها اساساً سه انتخاب دارند: یا حکومت ما را قبول کنند؛ یعنی حاکم و ارباب مائیم؛ یا سرزمین را ترک کنند؛ یا بمانند، که اگر بمانند و بجنگند، با آن‌ها همان‌طور که در سال ۱۹۴۸ م.^۱ برخورد کردیم، درگیر خواهیم شد.

اسموتریچ در این مصاحبه به صراحت گفت که هیچ امیدی به فلسطینی‌ها نیست و این پیام از طریق اقدامات دولت او نیز منتقل شده است. این حرف صراحت دارد، و ممکن است بدتر هم شود. از این منظر، اکثر فلسطینی‌ها مظنون به تروریست بودن هستند، و باید با آن‌ها چنین رفتار شود. آن‌ها باید ثابت کنند که تروریست نیستند.

هیچ چشم‌اندازی برای آینده فلسطینی‌ها وجود ندارد. هیچ چشم‌اندازی برای صلح وجود ندارد. در برخی سطوح، علت اصلی آنچه اتفاق افتاده، قفل کردن و انسداد افق سیاسی از سوی اسرائیل است. فلسطینی‌ها در کرانه باختری تلاش کرده‌اند مسیر صلح و سازش را دنبال کنند.

یک داستان بسیار طولانی در روند اسلو وجود داشته است، که در آن تلاش می‌شود اسرائیلی‌ها را کنار بگذارند، با آن‌ها مصالحه کنند و امتیازات زیادی بدهند. نتیجه آن، تثبیت اشغالگری بوده است. سازمان آزادیبخش فلسطین در ازای به رسمیت‌شناختن دولت اسرائیل و دست‌کشیدن از خشونت، چیزی دریافت نکرده است.

این موارد توسط گروه‌های شبه‌نظامی مثل حماس که آن‌ها نیز این مسیر را امتحان کرده‌اند، مورد توجه قرار می‌گیرند. یادآوری این نکته حائز اهمیت است که، حماس پیش از این، در سال ۲۰۰۶ م. زمانی که بسیار محبوب بود و به صورت دموکراتیک از سوی فلسطینی‌ها پیروز انتخابات شد، در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ م. و حتی در دو سال گذشته، مسیری عمل‌گرایانه در پیش گرفته. رهبران حماس به اسرائیل اعلام کردند که از داشتن یک هدنه^۲ یا آتش‌بس طولانی‌مدت برای تسهیل تشکیل دولت فلسطین در کرانه باختری و پایان دادن به اشغال، استقبال خواهند کرد.

اما تمام این امور به‌سادگی از سوی اسرائیل مسدود شده و برعکس اتفاق افتاده است. اسرائیلی‌ها تلاش کرده‌اند چندین کار انجام دهند. آن‌ها سعی کرده‌اند مشکل سیاسی را از راه‌های اقتصادی حل کنند. در غزه سعی کرده‌اند مجوزهای کار بیشتری برای ورود کارگران صادر کنند. این امر باعث کاهش فشار اقتصادی بر حماس شد، و آن‌ها فکر می‌کردند که حماس به‌عنوان یک هیئت حاکمه از این موضوع راضی می‌شود و، از مقاومت دست می‌کشد و وضعیت موجود را می‌پذیرد.

آن‌ها همین کار را با تشکیلات خودگردان فلسطین انجام دادند. فلسطینیان در کرانه باختری و غزه هیچ حق و حقوق سیاسی ندارند. اما از اهرم‌های اقتصادی برای کاهش بخشی از فشار بر آن‌ها استفاده شده است. اما هیچ افق سیاسی یا حل و فصل سیاسی وجود ندارد. علاوه بر آن، اسرائیل فشاری را برای نظامی کردن مقاومت در برابر اشغالگری انجام

^۱ - اشاره به یوم‌النکبه. م

^۲ - در عربی از آن با «مهاده» نیز یاد می‌شود. این عبارت هر چند در قرآن نیامده، ولی معادل‌هایی چون ماه‌های حرام، صلح موقت و ... در کتاب آسمانی مسلمانان، معادل آن است. م.

داده است. اسرائیل همیشه می‌خواسته است مقاومت را به یک رویارویی نظامی بکشاند، که در آن بسیار قدرتمند است؛ جایی که توازن نیروها به‌وضوح در سمت اسرائیل است. و جایی که آن‌ها می‌توانند به حماس به دلیل انجام خشونت علیه دولت اسرائیل حمله کنند، و به نظر می‌رسد که اسرائیل در این زمینه به نتیجه دلخواهش رسیده است. بیشترین مشروعیت در صحنه بین‌المللی، فشار برای نظامی‌سازی به‌معنای کشاندن مقاومت فلسطین، که هم خشونت‌آمیز و هم غیرخشونت‌آمیز تلقی می‌شود، به یک رویارویی نظامی خشن است، که اسرائیلی‌ها بتوانند آن را بیشتر کنترل کنند.

این امور بخشی از رخدادهایی است که اتفاق افتاده. ترکیب دولت نتانیاهو که بسیار افراطی است، تشدید فشارها در کرانه باختری، تلاش برای کاهش فشار اقتصادی بر نواره غزه در حالی که به محاصره غزه ادامه می‌دهد - همه این‌ها به‌وضوح کارساز نبوده و اکنون با خشونت در چهره اسرائیل تبلور پیدا کرده.

علاوه بر آن، فلسطینی‌ها، به‌ویژه با دولت ترامپ و اکنون نیز با دولت بایدن، تلاش برای میانجی‌گری برای توافق با دولت‌های عربی که علاقه‌مند به صلح با اسرائیل هستند - موسوم به «پیمان ابراهیم»^۱ - را دیدند. این معاهدات صلح اساساً مسئله فلسطین را به حاشیه برده است. این معاهدات تا آنجایی که به فلسطینی‌ها مربوط می‌شود، عادی‌سازی‌هایی هستند که اسرائیل به‌صورت رایگان دریافت کرده. آن‌ها همچنین آنچه را که «ابتکار صلح عربی»^۲ نامیده می‌شود، کنار گذاشته‌اند. ۲۲ کشور در جهان عرب به اسرائیل پیشنهاد صلح و عادی‌سازی را در ازای پایان اشغالگری داده‌اند. اسرائیل این گزینه صلح را در هر مقطعی رد کرده و کنار گذاشته، و اکنون در تلاش است با آن دولت‌های عربی که مایل به انجام این کار هستند، بدون آنکه چیزی به فلسطینی‌ها واگذار کند یا به اشغال پایان دهد، صلح کنند.

این پارادایم جدیدی است که ما با آن سر و کار داریم و، به فلسطینی‌ها می‌فهماند که هیچ افق یا راه‌حلی سیاسی برای مسئله فلسطین وجود ندارد و تمام آنچه اسرائیلی‌ها ارائه می‌دهند، تبعیت از رژیم آپارتاید است. برای درک آنچه اتفاق افتاده، درک ماهیت رژیم اسرائیل / فلسطین نیز مهم است. همیشه در مورد اینکه آیا رژیم آپارتاید است؛ فلسطینی‌ها چه حقوقی دارند؛ و مسائلی دیگر بحث می‌شود.

بسیار مهم است که اسرائیل را در عمل به‌عنوان یک رژیم استعماری شهرک‌نشین در نظر بگیریم، که در آن، جمعیت فلسطین اساساً یک‌بارمصرف است. این تفاوت با مدل آپارتاید آفریقای جنوبی است. مردم فلسطین مورد استثمار قرار نمی‌گیرند و برای تداوم حکومت اسرائیل به‌هیچ‌وجه لازم نیست. اسرائیل از مردم فلسطین سودی نمی‌برد، مگر در قامت اسیر و برده.

از آنجایی که فلسطینی‌ها - به مثابه برده م. - اساساً برای دولت اسرائیل ضروری هستند، این امر به اسرائیل اجازه می‌دهد تا کارهای مختلفی را که در غزه انجام داده، همچنان انجام دهد، زیرا برای هیچ چیزی به «جمعیت» نیاز

^۱ - بیانیه مشترک اسرائیل، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ م. که روند عادی‌سازی رابطه اسرائیل با کشورهای عربی را تسهیل کرد. م

^۲ - طرحی پیشنهادشده از سوی عربستان سعودی در جهت عادی‌سازی روابط با اسرائیل. م

ندارد. این به اسرائیل اجازه می‌دهد تا آنچه را که به‌عنوان جنگ سیاسی توصیف شده است، انجام دهد — جنگ‌هایی که به احتمال هر گونه حقوق سیاسی جمعی برای فلسطینی‌ها، هر احساس ملیت یا کشورداری پایان می‌دهد. اسرائیل قادر به انجام این کار است، زیرا فلسطینی‌ها از حیث استفاده برده‌وار ضروری هستند. از منظر اسرائیل، اگر شرایط لازم را در مه جنگ ایجاد کنند، ممکن است بتوانند آن‌ها را نیز بیرون کنند.

دنیل فین: در مورد وضعیتی که در هفته گذشته ایجاد شد: حملات حماس در ۷ اکتبر چه تفاوتی با اقدامات قبلی حماس و سایر گروه‌های مسلح فلسطینی داشته است؟ چگونه دولت و طبقه سیاسی حاکم بر اسرائیل به آن پاسخ می‌دهد، و این واکنش چه تفاوتی با اقدامات پیشینی مانند اتفاق‌های سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ م. دارد؟

بشیر ابومنه: قبل از هر چیز، می‌توان در مورد تداوم برخی تکنیک‌های نظامی حماس صحبت کرد؛ یعنی هدف‌قراردادن غیرنظامیان. همیشه کاری که حماس انجام می‌داد همین بود. این رویه شامل بمب‌گذاری‌های متعدد انتحاری و موشک‌های قسام^۲ است. آن‌ها همچنین سربازان اسرائیلی را هدف قرار داده‌اند و جنبه‌هایی از قوانین بین‌المللی وجود دارد که امکان مقاومت خشونت‌آمیز در برابر اشغالگران را فراهم می‌کند. اما هدف‌قراردادن غیرنظامیان همیشه بخشی از جعبه‌ابزار آن‌ها — حماس م. — به‌عنوان یک جنبش بوده است.

آنچه در مورد هفته گذشته متفاوت است، مقیاس و ابعاد حمله است، که اسرائیل تا کنون شبیه آن را ندیده. این عملیات^۳ که هزاران نفر در آن شرکت داشتند، برای مدت بسیار طولانی مخفی نگه داشته شده بود. شگفت‌آور است که این امر در شرایط نظارت مستمر بر غزه رخ داد؛ جایی که هواپیماهای بدون سرنشین، ۲۴ ساعته بر فراز قلمرو در حال پرواز هستند؛ جایی که هر حرفی در آن ضبط و شنود می‌شود؛ و جایی که در آن سوی مرز نظارت شدیدی وجود دارد.

دستیابی حماس به سطح محرمانه، سازماندهی، و نظم و انضباط برای انجام عملیاتی مانند این، اسرائیل را شگفت‌زده کرده و، آن را در یک بحران سیاسی عمیق فروبرده است، که در طولانی‌مدت نیز حل نخواهد شد. رهبران سیاسی و مدیران دولتی اسرائیل هزینه این عملیات را برای مدت بسیار طولانی پرداخت خواهند کرد. من معتقدم که این عملیات، ماهیت سیاست اسرائیل را تغییر خواهد داد و آن را افراطی‌تر خواهد ساخت.

در نهایت، شما باید به اعداد نگاه کنید. جزئیات مهم است. در این عملیات بیشتر کشته‌شدگان غیرنظامی بودند. مقیاس کشتار بسیار بالا بود. اینکه آیا این هدف حماس بوده است یا نه — اینکه آیا این چیزی است که فرماندهان به

^۱ - اشاره به درگیری‌های گسترده اسرائیل و فلسطین، که آغازگر آن نیروی هوایی اسرائیل بود. حماس و گروه‌های جهادی آن را عملیات «البنیان المخصوص» (عملیات بنیاد استوار) نامیدند، و اسرائیلی‌ها عملیات «تیغ حفاظتی» نامش نهادند. گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس از جمله نیروهای اصلی درگیر در این عملیات بودند. م

^۲ - راکت قسام یا «صاروخ القسام» نوعی راکت ساخت نیروهای حماس است، که غیرهدایت‌شونده است و بردی حدود ۵ تا ۱۵ کیلومتر دارند. م

^۳ - عملیات «طوفان الاقصی» یا طوفان بزرگ، که حدود ۶:۳۰ صبح در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ م از سوی حماس آغاز شد و در بیست دقیقه ابتدایی، حدود ۳۰۰۰ موشک مناطق جنوبی اسرائیل را راکت‌باران کردند و با نفوذ به منطقه تحت امر اسرائیل، بنا بر آمارهای پراکنده، کمینه ۲۶۰ اسرائیلی که در فستیوال موسیقی حضور داشتند، کشته شدند. م

جنگجویان خود گفته‌اند یا نه – در این مرحله بسیار سخت است که بدانیم. اما نتیجه‌ی خالص این است که، صدها نفر در اسرائیل کشته شده‌اند، و تعداد بیشتری مجروح گردیده‌اند و برخی از آن‌ها هنوز در وضعیت بدی قرار دارند.

شما باید به دو عنصر فکر کنید، که بحث در مورد آن‌ها در جنبش‌های آزادی‌بخش دشوار است. اما با این وجود، همیشه مورد بحث قرار گرفته‌اند. یکی عقلانی‌بودن عملیات است. چقدر منطقی است؟ آیا این عملیاتی است که به دنبال پایان دادن به اشغالگری اسرائیل است یا خیر؟ آیا این فقط اشغال را تقویت می‌کند؟ آیا اسرائیل در پاسخ به آن هزینه‌ی انسانی هنگفتی را متحمل خواهد شد و آیا حماس می‌تواند جلوی آن را بگیرد؟ همه‌ی این‌ها سوالات مهمی است.

عقلانیت سیاسی این عملیات چیست؟ آیا این عملیات فقط برای حماس است که خود را به عنوان «مقاومت نهایی» در تاریخ فلسطین در رابطه با تشکیلات خودگردان معرفی کند؟ آیا به این دلیل است که همه‌ی راه‌های حل و فصل دیگر شکست خورده‌اند؟ آیا به این دلیل است که حصر رفع نشده؟

برای عملیات باید یک منطق سیاسی وجود داشته باشد، اما در حال حاضر مشخص نیست که این منطق چه بوده است.

اگر به محمد دیف، فرمانده‌ی نظامی حماس^۱ گوش دهید، او گفت که انتظار دارد این جرقه‌ای برای کل منطقه باشد، و برای همه‌ی فلسطینی‌ها، از جمله فلسطینی‌های ساکن در داخل مرزهای اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م. عملیات بیشتری صورت خواهد گرفت. زبان و لحن او خیلی واضح بود.

محمد دیف فقط ارتش را هدف نگرفت، بلکه علیه غیرنظامیان نیز در تیررس قرار گرفتند. او گفت: *چاقوهایتان را بردارید، مقاومت کنید.*

اگر قصد عملیات این بود، آیا واقع‌بینانه بود؟ اگر امید به آن نتیجه‌ی واقع‌بینانه بود، آیا از نظر نظامی موفق بود؟ من نمی‌توانم بفهمم که حماس چه پاسخی برای این سوالات دارد. جدای از ابعاد اخلاقی که من به آن‌ها خواهم رسید، از نظر سیاسی، چیزی کاملاً معکوس در مورد عملیات وجود دارد. شما می‌توانستید پاسخ اسرائیل را محاسبه کنید، که دقیقاً همان کاری است که آن‌ها در حال حاضر انجام می‌دهند، با این اراده که هزینه‌های انسانی هنگفتی را در غزه متحمل می‌شوند، در حالی که حماس نمی‌تواند از مردم غیرنظامی محافظت کند.

حماس همیشه به دلیل ناامنی‌هایی که به طرف فلسطینی القا می‌شود، می‌خواست ناامنی را به طرف اسرائیلی القا کند. این منطق است: «اگر ما در امنیت زندگی نمی‌کنیم، جمعیت شما نیز ناامنی را حس خواهد کرد». بمب‌گذاری‌های انتحاری و موشک‌های قسام ممکن است به آن – ایجاد ناآرامی و ناامنی برای طرف اسرائیلی – دست یابند، اما آیا این رویکرد شما را به پایان اشغال نزدیک‌تر می‌کند یا خشونت اسرائیل و تروریسم دولتی را بیش از پیش تثبیت می‌سازد؟ برای من روشن نیست که حماس در این مورد چه خواهد گفت و آیا حماس فکر کرده است که نتیجه‌ی دیگری در اینجا امکان‌پذیر است یا خیر؟

^۱ - و طراح اصلی عملیات «طوفان الاقصی» که اعتقاد دارد باید گام به گام اسرائیل را حذف و نابود کرد. م

از نظر سؤال اخلاقی، وقتی مقاومت می‌کنید، آیا این به این معنی است که چیز مهمی از بین می‌رود؟ پاسخ حقوق بین‌الملل «نه» است. آیا اجازه دارید غیرنظامیان را هدف قرار دهید؟ پاسخ «نه» است. آرمان فلسطین باید به عدالت و برابری متعهد باشد.

فلسطینی‌ها به حمایت بین‌المللی نیز نیاز دارند. آن‌ها از حمایت دولت‌های عربی برخوردار نیستند؛ آن‌ها از حمایت مردمی عرب برخوردارند. اما این حمایت از نظر نتایج و دستاوردهای سیاسی چندان زیاد نبوده. فلسطینی‌ها به آنچه در غرب اتفاق می‌افتد، بسیار متکی هستند و به قوانین بین‌المللی نیز. آن‌ها سعی کرده‌اند اسرائیل را بخاطر نقض بی‌پایان قوانین بین‌المللی و اشغال غیرقانونی آن پاسخگو بدانند.

این تنها گفتمانی است که فلسطینیان می‌توانند در غرب از آن استفاده کنند و اسرائیل را کاملاً در حالت تدافعی قرار دهد. اگر شما این گفتمان را در مبارزه اخلاقی در غرب از دست بدهید، خیلی چیزها را از دست خواهید داد، به‌ویژه که توازن قوا به شدت علیه شماست. شما در نهایت در حال مبارزه با یک قدرت هسته‌ای هستید که F-16 دارد و می‌تواند با پوشش و حمایت هوایی دولت‌های غربی، به میل خود همه جا را بمباران کند.

ما به شنیدن و خواندن تفسیرهایی که تلاش می‌کنند بفهمیم حماس به چه فکر می‌کرد ادامه خواهیم داد. اما حماس اکنون در دنیایی زندگی می‌کند که این عملیات آن را مترادف داعش عنوان کرده. این یک ضرر کامل برای آرمان فلسطین چه در غرب و چه به طور کلی است.

اکنون باید دوباره به دنیا توضیح دهید که آرمان فلسطین درست زمانی است که آن آرمان جرم‌انگاری می‌شود.

پاسخ اسرائیل چه بوده است؟ من فکر می‌کنم مقیاس عملیات کاملاً قابل پیش‌بینی بود. اسرائیل در سال گذشته در یک بحران عمیق سیاسی به دلیل بازنگری در سیستم حقوقی توسط نتانیاهو جهت اجازه دخالت سیاسی بیشتر، گرفتار بوده است. اکنون این بحران و گرفتاری از بین رفته، و جمعیت اسرائیل کاملاً و تمام‌قد در پشت نیروهای دفاعی اسرائیل متحد شده‌اند، زیرا حماس هر نوع زندگی غیرنظامی در غزه را نابود می‌کند.

آن‌ها خواهان بازپرداخت و غرامت هستند – آن‌ها می‌خواهند این نوع تلافی را ببینند. اکنون ترس این است که واکنش اسرائیل شرایطی را به وجود آورده که جمعیت غزه را بیرون کند. به نظر می‌رسد که هدف، انتقال بیش از یک میلیون فلسطینی از شمال غزه است. آن‌ها فلسطینی‌ها را در معرض محاصره کامل قرار داده‌اند، که خلاف قوانین بین‌المللی است.

اسرائیلی‌ها نیز گفته‌اند که می‌خواهند حماس را از روی زمین محو کنند. من نمی‌دانم که این موضوع، بدون تهاجم زمینی چگونه ممکن است. نمی‌دانم تهاجم زمینی برای اسرائیل واقع‌بینانه است یا خیر، اما آن‌ها قطعاً نمی‌خواهند که

حماس پس از این عملیات عظیم از زیر آوار بلند شود و، از نظر سازمانی و نظامی دست‌نخورده باقی بماند. از نظر سیاسی، تهاجم زمینی بسیار دشوار است،^۱ و دانستن این‌که چگونه قرار است پایان یابد، بسیار سخت است.

برای درک اقداماتی که اسرائیل تاکنون انجام داده، کفایت برخی از کلماتی که سیاستمداران اسرائیلی در رسانه‌های غربی مجار به بیان آن‌ها هستند را بخوانید، که وحشتناک است. ما وزاری دولتی داشته‌ایم که گفته‌اند اسرائیل در کنار «هیولاها زندگی می‌کند» و آن‌ها با «حیوانات انسانی» می‌جنگند. اسحاق هرتزوغ^۲، رئیس‌جمهور اسرائیل گفته است که، تمام ملت فلسطین مسئول اقدامات حماس هستند.

این ادبیات، ادبیات نسل‌کشی است. این موضوع بسیار نگران‌کننده است که ما اکنون در شرایطی هستیم که اجازه داده می‌شود این حرف‌ها بدون هیچ چالش و مخالفت و اعتراضی بیان شود، و تبدیل به شیوه تعامل بر سر مسئله فلسطین گردد. اسرائیل هرگز در قبال آنچه انجام می‌دهد، پاسخگو نیست. به نظر می‌رسد که «حق دفاع» به این معناست که اسرائیل می‌تواند هر کاری انجام دهد و با حمایت کامل ایالات متحده و اتحادیه اروپا و بدون به چالش کشیده شدن از سوی رسانه‌ها، به میل خود مرتکب جنایات جنگی شود.

دنیل فین: اکنون که در مورد واکنش بین‌المللی صحبت می‌کنیم، می‌توانیم این را به دو حوزه کلی تقسیم کنیم: واکنش در اروپا و آمریکای شمالی و سپس واکنش در خاورمیانه. با پاسخ ایالات متحده آمریکا و دولت‌ها و کشورهای اروپایی مانند بریتانیا، فرانسه و آلمان شروع می‌کنیم: شما این واکنش را چه می‌بینید، و این واکنش با آنچه در گذشته دیده‌ایم چه تفاوتی دارد؟

بشیر ابومنه: آن دسته از کشورهای غربی که اعتقاد به دفاع اسرائیل از خود دارند، هرگز نمی‌پرسند که آیا این «دفاع» واقعا جایگزینی برای هدایت یا حل مناقشه سیاسی از طریق ابزار نظامی است؟ به نظر می‌رسد این سؤالات هرگز پرسیده نمی‌شود. آن‌ها هرگز نمی‌گویند که اسرائیل موجودیت قدرتمندی است که در طول تاریخ به فلسطینی‌ها ظلم کرده است. آن‌ها فقط می‌گویند که اسرائیل حق دفاع از خود و مبارزه با تروریسم را دارد، و در نتیجه، به نظر می‌رسد هزینه این دفاع، برای آن‌ها قابل قبول است.

اکنون آن‌ها در موقعیتی قرار دارند که مقام‌های غربی به‌طور غیرقانونی از انتقال اجباری جمعیت – که آن‌ها را بر اساس قوانین بین‌المللی مسئول می‌کند – و از جنایات جنگی و محاصره غزه حمایت می‌کنند. همه این اقدامات چیزهایی است که اسرائیل گفته قرار است انجام دهد. همه آن‌ها عمدی بوده‌اند. اما اتحادیه اروپا همچنان از آن حمایت می‌کند. همین امر در مورد بریتانیا نیز صدق می‌کند؛ جایی که من زندگی می‌کنم و دولت به‌گونه‌ای صحبت می‌کند، که گویی فقط زندگی اسرائیلی‌ها مهم است، و زندگی فلسطینی‌ها مهم نیست. در اینجا اصلاً استاندارد جهانی استفاده نمی‌شود.

^۱ - بواسطه ترکیب و ادغام مجاهدان اسلام‌گرا و چریک‌های شهری فلسطین. م

^۲ - وکیل و سیاستمدار اسرائیلی که تبار ایرلندی دارد و فارغ از سمت ریاست‌جمهوری، عضو کنست (پارلمان اسرائیل)، رهبر حزب کار (از احزاب میانه‌رو و چپ‌گرای اسرائیل) نیز بوده، و اکنون یازدهمین رئیس‌جمهور اسرائیل است. م

فلسطینی‌ها و مردم جهان عرب این را می‌شنوند و از چنین پاسخ‌هایی کاملاً وحشت‌زده می‌شوند. استثناهایی وجود داشته، مانند مترقیان آمریکایی همچون برنی سندرز^۱، رشیده طلیب^۲، و الهان عمر^۳، که بیانیه‌هایی در محکومیت هدف‌قراردادن غیرنظامیان از سوی اسرائیل (و البته همچنین هدف‌قراردادن غیرنظامیان از سوی حماس) را محکوم کرده‌اند.

از سوی دیگر، در بریتانیا، رهبر حزب کارگر، کی‌یر استارمر^۴ با حمایت از محاصره و انتقال اجباری جمعیت، خود را مسئول کیفری کرده است. اینکه ما در بریتانیا به آن مرحله رسیده‌ایم، به‌خصوص پس از سال‌های جرمی کورین^۵ حیرت‌انگیز است. این نتیجه موفقیت‌لابی طرفدار اسرائیل در کشور ما (بریتانیا) بوده است، و هر گونه دفاع از حقوق اولیه فلسطینی‌ها در رسانه‌ها و زندگی سیاسی را در نطفه خفه می‌کند.

در تظاهرات شنبه گذشته در لندن، امیدی وجود دارد. وزیر کشور محافظه‌کار سوئلا براورمن تلاش می‌کند پرچم فلسطین را جرم‌انگاری کند و آزادی بیان فلسطین را جرم‌انگاری کند، اما شما تظاهرات گسترده‌ای در لندن داشتید که مملو از مردمی بود که حقوق بشر فلسطین را تأیید می‌کردند. تنها راه تغییر مواضع دولت و وادار ساختن آن‌ها به فکر کردن درباره این درگیری در چارچوب قوانین بین‌المللی، فشار مردم است.

در جهان عرب، دولت‌هایی مثل عربستان سعودی به دلایل مختلف بیش از پیش تلاش می‌کنند تا با اسرائیل به توافق برسند. سعودی‌ها این کار را به دلیل رویارویی خود با ایران، و به این دلیل که به دنبال دسترسی به انرژی هسته‌ای هستند، انجام می‌دهند. در گفتمان عمومی خود، آن‌ها شروع به صحبت در مورد بلوک‌بودن (مانع‌بودن) آرمان فلسطین کرده‌اند و اینکه چگونه باید آن را کنار گذاشت، تا بر نوسازی و توسعه تمرکز کرد، و نوع متفاوتی از خاورمیانه را ساخت، که در آن، شکوفایی اقتصادی امکان‌پذیر باشد و کشورهای عربی در آن قوی‌تر حضور داشته باشند.

جنگ در اوکراین و نزدیک‌شدن عربستان سعودی و ایران عوارضی دارد. اما به‌طور کلی، نگرش دولت‌ها با آنچه که مردم عرب فکر می‌کنند کاملاً متفاوت است. ما شاهد تظاهرات گسترده‌ای در کشورهایمانند یمن، عراق و مراکش بوده‌ایم، که همواره بسیار دلگرم‌کننده است. با این حال، تا زمانی که کشورهای عربی دیکتاتور و مستبد هستند، حمایت توده‌ای به سیاست تبدیل نخواهد شد.

۱ - سیاستمدار آمریکایی و سناتور ایالات متحده از ورمانت که از حیث سیاسی مستقل است ولی در فراکسیون حزب دموکرات شرکت می‌کند. م
 ۲ - رشیده حربی طلیب، سیاستمدار و وکیل اهل آمریکا که عضو حزب دموکرات است و سابق عضو مجلس نمایندگان میشیگان بود. در سال ۲۰۰۹ م زمانی که برای مجلس نمایندگان انتخاب شد، اولین زن مسلمانی بود که به مجالس ایالتی کل آمریکا راه یافت. م
 ۳ - سیاستمدار آمریکایی با اصالت سومالیایی، که در سال ۲۰۱۶ م اولین زن آمریکایی - سومالیایی بود که به عضویت مجلس نمایندگان (مینه‌سوتا) درآمد. او فارغ از مسلمان بودن، اولین زن پناهجویی است که ارتقای سیاسی یافت. م
 ۴ - رهبر حزب کارگر بریتانیا و رهبر اپوزیسیون. م
 ۵ - از سال ۱۹۸۳ م تا امروز، نماینده حوزه انتخابیه ایزلینگتون شمالی (در لندن) در پارلمان بریتانیا است. از ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۵ م. رهبر حزب کارگر و رهبر اپوزیسیون بود، که در تاریخ ۳ آوریل ۲۰۲۰ م. از سمت خود کناره‌گیری کرد. م

ما درگیر این واقعیت هستیم که کشورهای عربی به توده‌های عرب اجازه می‌دهند به خیابان‌ها بیایند و از فلسطینی‌ها حمایت کنند، اما در همین جا و در همین سطح متوقف می‌شود. با این حال، دیدن سطح حمایت مردمی در سرتاسر جهان، از جمله غرب، برای یک جمعیت تحت‌ستم که آرمان آن‌ها جرم‌انگاری می‌شود، کاملاً دلچسب است.

این به ما نشان می‌دهد که در نهایت، تبلیغات اسرائیل اثرگذار نبوده. اگر چه بسیاری از مردم فکر می‌کنند که آنچه حماس با هدف قراردادن غیرنظامیان انجام داد، کاملاً نامشروع است، آن‌ها می‌توانند فراتر از آن را ببینند و فلسطینی‌ها را به عنوان گروهی از مردم بشناسند، که حقوق مشروع خود را دارند که باید از آن‌ها دفاع کرد^۱. این چیزی نیست که اسرائیل می‌خواهد. تقویت این احساسات و حفظ فشار سیاسی کاملاً ضروری است.

حفظ استدلال در چارچوب پارامترهای حقوق بین‌الملل، که اساساً مخالف هر کاری است که اسرائیل انجام می‌دهد، برای فلسطینیان دارای ارزشمندی است. شما نمی‌خواهید آن را از دست بدهید، زیرا حقوق و امتیازات زیادی برای شما فراهم می‌کند.

حمایت از حقوق بین‌الملل یک بُعد عمل‌گرایانه سیاسی دارد، اما یک بُعد اخلاقی نیز در آن وجود دارد، زیرا به شما امکان می‌دهد استانداردهای جهانی را در سراسر جهان حفظ کنید و از زندگی غیرنظامی در طرف اسرائیل و همچنین در طرف فلسطینی محافظت نمایید. همچنین، این امکان را فراهم می‌کند که راهی برای عبور از درگیری پیدا کنیم که به دو ملت امکان می‌دهد روزی با هم زندگی کنند، به شرطی که بعد از این رخداد اخیر، اصلاً امکان‌پذیر باشد.

دنیل فیمن: من می‌دانم که وضعیت از روزی به روز دیگر به سرعت در حال تغییر است. اما آیا می‌توانید سعی کنید به مردم بگویید که آخرین تحولات در غزه چگونه بوده است؟ آیا چشم‌اندازی جدی برای یک حمله زمینی کامل از سوی اسرائیل وجود دارد؟ و آیا در این عملیات و خطر واقعی انتقال اجباری جمعیت در مقیاس بزرگ در مقیاسی که در سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۸ شاهد بودیم، وجود دارد؟

بشیر ابومنه: احتمال یک نکتب جدید کاملاً ممکن است - و شرایطش وجود دارد. اسرائیل قبلاً به مردم شمال غزه دستور داده به جنوب غزه بروند، هر چند گاهی اوقات آن‌ها را در طول مسیر بمباران می‌کند. گذرگاهی امن برای حرکت جمعیت مردمی که از گرسنگی رنج می‌برند و از آب و غذا محروم شده‌اند و برق نیز وجود ندارد، تعبیه نشده.

در هفته اول جنگ اخیر، اسرائیل در مقایسه با بمباران افغانستان از سوی آمریکا در یک سال، به مراتب بمب‌های بیشتری را در یک هفته بر سر غزه فروریخت. مقیاس نه تنها وحشتناک، که نسل‌کشی است. من این کلمه را به هیچ وجه ساده به کار نمی‌برم، و قبلاً هرگز آن را در رابطه با درگیری فلسطین به کار نبرده‌ام، زیرا جنگ‌های قبلی بسیار وحشیانه‌تر از جنگ‌هایی بود که در حال حاضر می‌بینیم. - ولی اکنون توحش به سطحی رسیده که می‌توان کلمه «نسل‌کشی را به کار برد م -

^۱ - به عبارتی، باید از دوگانه کاذب اسرائیل/ حماس فراتر رفت، و شق سومی به نام فلسطین و بازگشت به آرمان‌هایش را باز متصور شد. م

قرار است مردم چگونه زنده بمانند؟ روزی یک جرثه آب می‌خورند. آن‌ها غذایی برای خوردن ندارند. اگر این موضوع طولانی شود، و اگر برق بیمارستان‌ها قطع گردد، انتظار دارید در غزه چه اتفاقی بیفتد؟ ده‌ها هزار نفر خواهند مرد.

یک نکبت جدید در حال حاضر اینجاست. تنها چیزی که مانع خروج فلسطینی‌ها از نوار غزه می‌شود، این است که مصر در حال حاضر مرزها را می‌بندد. هیچ راهی برای آن‌ها وجود ندارد که در امنیت خارج شوند و سپس به خانه‌های خود بازگردند. و این امری طبیعی در جنگ است، که تا زمانی که ناامنی تمام شود، به یک مکان امن بروید و سپس بتوانید به خانه برگردید.

البته فلسطینی‌ها همیشه از ترک خانه‌های خود می‌ترسند، بنابراین، در این میان فشار روحی و روانی (تروما) وجود دارد. اگر شمال غزه را ترک کنید، آیا می‌توانید برگردید، یا اسرائیل آن را به سادگی یک منطقه نظامی بسته اعلام می‌کند؟

رهبران اسرائیل اظهاراتی در مورد تغییر کامل ظاهر غزه داده‌اند – این دقیقا به چه معناست؟ آن‌ها در مورد تغییر کل چشم‌انداز غزه و تحمیل هزینه‌ای صحبت کرده‌اند که برای نسل‌های آینده به یادگار خواهد ماند. باز هم این زبان و این ادبیات نسل‌کشی است.

خیلی سخت است که بگوییم جنگ اخیر چگونه به پایان می‌رسد. بستگی به این دارد که چقدر فشار سیاسی بر اسرائیل وارد می‌شود و چقدر فشار مردمی علیه جنگ وجود دارد، چند نفر در تظاهرات شرکت می‌کنند. – همه این عوامل اثرگذار هستند – شما نمی‌توانید این موارد را پیش‌بینی کنید.

اما یک چیز وجود دارد که می‌توانید روی آن تکیه کنید. اسرائیل همیشه بدترین دشمن خود در عملیات‌هایی مانند این بوده است، زیرا همیشه خشونت بیش از حد وجود دارد، و این باعث واکنش می‌شود. متحدانش همیشه به اسرائیل زمان می‌دهند، اما در نهایت جنگ متوقف می‌شود.

اینکه آیا قرار است جنگ قبل از تهاجم زمینی متوقف شود، یک سؤال بزرگ است. اما من فکر نمی‌کنم که مردم غیرنظامی حتی یک روز بیشتر بتوانند این نوع بمباران و این نوع محاصره را تحمل کنند. از منظر اخلاقی، این باید دیروز متوقف می‌شد.

در مورد آینده چه می‌توانیم بگوییم؟ در خود اسرائیل، این جنگ، افکار عمومی اسرائیل را پشت ارتش متحد کرده، و این موضوع بسیار نگران‌کننده است. جایی برای انتقاد نیست. البته انتقاداتی نیز از ارتش وجود خواهد داشت که چرا در خواب غفلت بوده و به اندازه کافی برای محافظت از شهروندان خود اقدام نکرده است. رهبری سیاسی نیز باید بتواند این شکست را بپردازد.

اما جمعیت اسرائیل کاملا به نیاز به برقراری مجدد چیزی که اسرائیل همیشه به مخالفان منطقه‌ای خود چشم دارد و می‌خواهد بازدارندگی خود را مجدداً تأیید کند، واقف است. به‌ویژه در شمال وقتی صحبت از حزب‌الله می‌شود.

تنها راه برون‌رفت از وضعیت فعلی این است. ممکن است بسیار ساده به نظر برسد، اما گاهی اوقات حقیقت بسیار ساده است. اسرائیل باید بر اساس قوانین بین‌المللی پاسخگو باشد. همه مسئول جنایات جنگی هستند، اما اسرائیل از نظر تاریخی کسی است که به فلسطینیان ظلم کرده. این کشور اشغالگر است و بنابراین، طبق قوانین بین‌المللی تعهداتی دارد.

غزه اشغال شده است. و کاملاً تحت کنترل اسرائیل است. این واقعیت که آن‌ها می‌توانند برق غزه را قطع کنند، به شما می‌گوید که اشغالگر کیست. لازم است که قدرت اشغالگر در قبال تعهدات قانونی خود بر اساس قوانین بین‌الملل، برای حفاظت از حق تعیین سرنوشت فلسطین، که حقوق بین‌الملل نیز به عنوان یک حق، آن را به رسمیت شناخته، و برای اطمینان از پایان دادن به تروریسم دولتی اسرائیل بر اسرائیل، تحت فشار سیاسی قرار گیرد. در مورد فلسطینی‌ها، ما به شرایطی نیاز داریم که طرف فلسطینی مانند هفته گذشته به خشونت یا تروریسم متوسل نشود تا درگیری را حل کند، یا به جهانیان فریاد بزند که فلسطینی‌ها را نباید فراموش کرد.

این یک دستور بسیار مهم این روزهاست. آرمان فلسطین باید بسیاری از زمین‌هایی را که ما در هفته گذشته از دست داده‌ایم، پس بگیرد و این کار آسانی نخواهد بود. امیدوارم زمان زیادی طول نکشد، اما به کار زیادی نیاز دارد.

ما باید از گفتمانی دور شویم که می‌گوید تنها وظیفه ما تأمین امنیت دولتی اسرائیل و معطوف کردن تمرکز به ایده صلح با پایان دادن به اشغالگری و تشکیل کشور برای فلسطینیان است. نمی‌دانم چقدر طول می‌کشد، اما مطمئناً روی زمین‌های بسیار بدتری نسبت به هفته گذشته کار می‌کنیم.

دنیل فین: هفته گذشته در نیویورک تایمز، مقاله مهمی از پیتر بینارت، روزنامه‌نگار آمریکایی منتشر شد، که برخی از سؤالاتی را که قبلاً در مورد اخلاق و کارایی عمل روش‌های مختلف مبارزه مطرح کرده بودید، و اینکه «جنبش برای حقوق فلسطینی‌ها» و «جنبش حقوق فلسطینی‌ها» کجاست، بحث می‌کرد. من فکر می‌کنم شما می‌خواستید کمی در مورد آن بگویید.

بشیر ابومنه: من فکر می‌کنم در این مرحله که، عملاً آرمان فلسطین جرم‌انگاری شده است، نوشتار بینارت بسیار مهم و شجاعانه بود. باید در مورد ماهیت رهایی و مبارزه و تاکتیک‌های مختلفی که استفاده می‌شود، بحث مهمی داشته باشیم. عوامل مختلف سیاسی در صحنه فلسطین هر چه که باشند، همبستگی با مردم مظلوم و تأیید حمایت خود از حقوق مشروع و مسلم آن‌ها نیز بسیار مهم است. برای بینارت این کار خوبیست. سؤال اخلاقی مهم است. یک بُعد عملی نیز دارد. یک مبارزه بدون خشونت در فلسطین اشغالی در طول انتفاضه اول بسیار موفق بود و دلایل بسیار خوبی داشت. انتفاضه در زمانی اتفاق افتاد که مرزها بین اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی بسیار متخلخل^۱ بود. کارگران فلسطینی می‌توانند به اسرائیل بروند، جایی که برای تقویت اقتصاد اسرائیل به آن‌ها بسیار نیاز بود.

^۱ - POROUS عبارتی وام‌گرفته از شیمی، که منافذ و حفره‌های جامدات را گوید. غرض تررک‌ها و وضعیت شکننده مرز جغرافیایی و دیوارکشی‌ها است. م

اسرائیل به این نیروی کار ارزان نیاز داشت. بنابراین، در حالی که کارگران فلسطینی نمی‌توانستند آنجا بمانند، می‌توانستند به آنجا بروند، دستمزد خود را بگیرند و برای تغذیه خانواده‌های خود در کرانه باختری و غزه برگردند. آن‌ها عمدتاً در ساخت و ساز و همچنین در بسیاری از مناطق دیگر در اسرائیل کار می‌کردند. آن وضعیت بلافاصله پس از اشغال در سال ۱۹۶۷ م. آغاز شد و تا انتفاضه اول ادامه داشت.

توانایی رفتن به اسرائیل - توانایی استثمارشدن نیروی کار در سیاست و اقتصاد اسرائیل - به عبارت فنی تر - به فلسطینی‌ها اهرم خاصی داد. آن دوره با آنچه بینارت در رابطه با آفریقای جنوبی از آن صحبت می‌کند، قابل مقایسه است. سیاه‌پوستان در آفریقای جنوبی مورد استثمار قرار گرفتند و این استثمار به آن‌ها اهرمی داد. این امر به آن‌ها اجازه داد تا کارگران خود را سازماندهی کرده و خارج کنند و بر اقتصاد آپارتاید فشار وارد کنند.

انتفاضه اول لحظه شگفت‌انگیز مقاومت مردمی فلسطین بود. البته اسرائیلی‌ها سعی کردند آن را به زور سرکوب کنند - به قول معروف اسحاق رابین^۱ با «شکستن استخوان‌ها»، اما کار نکرد. انتفاضه ادامه یافت و نتایج و امتیازات سیاسی به همراه داشت. هر چه در مورد آن امتیازات در قالب توافقنامه مادرید^۲ و سپس اسلو فکر کنیم، آن‌ها اسرائیلی‌ها را مجبور کردند که به فکر راهی برای حل مناقشه بدون اجبار خشونت‌آمیز باشند.

این دقیقاً به دلیل شرایط سیاسی - اقتصادی که در آن اقتصاد اسرائیل به نیروی کار فلسطینی متکی بود، اتفاق افتاد. اما اسرائیل از این مقاومت درس گرفت و مقایسه با رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی در اینجا به پایان می‌رسد. به آرامی سیستمی از بسته‌شدن و مجوزها را ایجاد کرد که مانع از ورود کارگران فلسطینی به اسرائیل شد.

کارگران فلسطینی که اقتصاد اسرائیل را ساخته بودند، در دهه ۱۹۹۰ م. با کارگران خارجی و مهاجران روسی جایگزین شدند. در نتیجه، آن لحظه به پایان رسیده است و معادل‌سازی یا مقایسه با آفریقای جنوبی دیگر اعمال نمی‌شود.

مشکل از این منظر این است که چگونه مقاومت می‌کنید، زمانی که اسرائیلی‌ها از طریق توافقنامه‌های اسلو یک دولت محلی همکاری‌گرا را تشکیل داده‌اند که بر فلسطینی‌ها نظارت می‌کند و آن‌ها را از درگیر شدن در مقاومت فعال و غیرخشونت‌آمیز علیه اشغالگری باز می‌دارد. فلسطینیان را از رویارویی با اشغالگری به هر طریقی، خواه به معنای مقابله نظامی با سربازان و یا مقابله با شهرک‌نشینان از طریق تظاهرات، مسدود می‌کند. اسلو یک حکومت استبدادی را در کرانه باختری و غزه ایجاد کرد که از نظر سیاسی و اقتصادی کاملاً به اشغالگران وابسته بود.

^۱ - سیاستمدار و ژنرال اسرائیلی، که پنجمین نخست‌وزیر اسرائیل نیز بود. تلاش‌هایی برای دستیابی به صلحی جامع داشت، که به همین واسطه، همراه با یاسر عرفات و شیمون پرز، موفق به دریافت نوبل صلح شدند. سرانجام در ۴ نوامبر ۱۹۹۵ م. به دست جوانی ۲۵ ساله، به نام ایگال عمیر که متأثر از افراط‌گرایان اسرائیلی بود، ترور شد. رابین تنها نخست‌وزیر اسرائیل است که بواسطه ترور، به قتل رسید. م

^۲ - توافقنامه‌ای که بین اسرائیل، فلسطین و اردن در کنفرانس مادرید به امضا رسید و مذاکراتی بین سوریه و اسرائیل نیز انجام شد، که نتیجه‌ای به دنبال نداشت. اولین دور این مذاکرات در سال ۱۹۹۱ م. در مادرید اسپانیا آغاز شد، که به ابتکار بوش پدر، و وزیر خارجه‌اش، جیمز بیکر بود. اسحاق رابین با شعار اصلی کنفرانس که «زمین در برابر صلح» بود مخالفت کرد، و تأکید کرد ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین را متوقف نخواهد ساخت. م

این شرایط بسیار متفاوت از شرایطی است که شما در آفریقای جنوبی داشتید. این امر، این تصور را تقویت می‌کند که فلسطینی‌ها غیرقابل انکار هستند: آن‌ها هیچ حقوقی ندارند و توانایی اعمال اهرم بر اسرائیل به عنوان یک کشور را ندارند. این به نوبه خود، این احتمال را افزایش می‌دهد که فلسطینی‌ها سعی کنند اشغالگران خود را در آن پارامترهای جدید جداسازی کامل به دست آورند. به نظر می‌رسد که خشونت راهی برای حمله به اشغالگران شما باشد، زیرا شما را به زندانی در فضای باز پرتاب می‌کنند.

اگر به بمب‌گذاری‌های انتحاری و موشک‌های قسام فکر می‌کنید، اصلی‌ترین راهی که فلسطینی‌ها برای نشان دادن ناراضی بودن و مقاومت در برابر آن شرایط و متحول کردن آن استفاده کرده‌اند، انجام این نوع عملیات است. فلسطینی‌ها دائما توسط رژیم استعماری شهرک‌نشین تحت فشار قرار می‌گیرند، که آن‌ها را ماگزیر می‌سازد تا عملیات خشونت‌آمیز را انجام دهند، جایی که این هزینه‌ها برای جمعیت انسانی در اسرائیل و همچنین در فلسطین مقید است و کاملا هنگفت است.

این بسیار پیچیده‌تر از آفریقای جنوبی است، و انتخاب برای مبارزه بدون خشونت بسیار سخت‌تر است. من از این انتخاب در فلسطین به عنوان راهی برای گرفتن امتیازات سیاسی از اسرائیل حمایت می‌کنم. انجام این مبارزه بسیار سخت است. به همین دلیل است که آنچه گیلبرت آشکار آن را «تفکر جادویی» عملیاتی مانند عملیاتی که حماس انجام می‌دهد، جذاب به نظر می‌رسد. فلسطینی‌ها اهرم‌های بسیار کمتری نسبت به آفریقای جنوبی دارند، اما این بدین معنا نیست که راه دیگری برای فلسطینی‌ها برای سازماندهی مبارزاتشان وجود دارد.

تلاشی در سال ۲۰۰۶ م. از طریق «سند اسرای فلسطینی» برای ایجاد نوع متفاوتی از مبارزه، ترکیب مقاومت سیاسی توده‌ای با مقاومت مسلحانه علیه اهداف نظامی، که طبق قوانین بین‌المللی مجاز است، صورت گرفت. تلاشی برای بیان و ایجاد چارچوبی برای استراتژی آزادی فلسطین وجود داشت که همه جناح‌های فلسطینی در آن زمان آن را پذیرفتند.

با این حال، این یک سند خالی باقی ماند که هرگز روی زمین ترجمه نشد. برای انجام این کار، شما نیاز به مصالحه بین حماس و فتح دارید، که فکر نمی‌کنم بعد از این امکان‌پذیر باشد، و شما نیاز به توافق دارید که پارامترهای مقاومت در برابر اشغال چیست. ممکن است این امر مستلزم ارتباط بسیار واضح با مردم اسرائیل باشد که هدف قراردادن غیرنظامیان قابل بحث نیست.

ما باید سعی کنیم اشکال مشترک مبارزه را برای ایجاد شرایط برای آینده توسعه دهیم. مشکل این است که سیستم اشغالگر آن مبارزات مشترک را غیرممکن کرده است، زیرا مردم را از هم جدا کرده است. رژیم مستعمره‌نشین در کرانه باختری با برتری یهودیان و الحاقات اراضی آن، بسیار بدتر از آپارتاید در آفریقای جنوبی است.

*آنچه از نظر گذشت، ترجمه گفتگوی دنیل فین (Daniel Finn)، سردبیر اصلی مجله «ژاکوبین» (JACOBIN)، با بشیر ابومنه، پژوهشگر فلسطینی و رئیس بخش رشته‌های کلاسیک، انگلیسی و تاریخ در دانشگاه کنت، و سردبیر افتخاری مجله «ژاکوبین» بود، که در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ م. انجام شد.

آدرس گفتگو و مشخصات اصلی مطلب:

[www. Jacobin.com](http://www.Jacobin.com)/we must mobilize against the carnage being inflicted on the palestinian people.